

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقائی که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره شش - قسمت دوم)

حمید اشرف: (نامفهوم...) تشکل خود شونو پیدا نکردن،

تقی شهرام: یعنی به بیاند مثلا یک

حمید اشرف: جبهه اساسا معنی نداره

تقی شهرام: آخه یعنی بین

حمید اشرف: جبهه واحد موقعش نیست.

تقی شهرام: هان، چه طور، این مسئله قابل اهمیت، که مثلا این نیروها بیان مثلا برچسب بزنن به سینه شون بگن مثلا ما نماینده فلان هستیم مثلا این طوری، چه جوری آخه؟ این که تو می گی اون جا هم نوشته شده که مثلا نمایان خودشون، قبول نمی کنن که مثلا نماینده فلانند، خوب نکنن، سیاست شون در عمل اینو نشون میده.

حمید اشرف: نه این ها اصلا نه تنها نماینده نه تنها در به اصطلاح یعنی در شکل عملی اش نیستن (نامفهوم...) و اساسا پشت شون یک جریان اجتماعی به اون شکل مشخص اش صف آرایبی نکرده.

تقی شهرام: آخه، این یه چیز، درست همون، بین الان درست رسیدیم به همون جا که ما بخواهیم بنشینیم باز جریانات اجتماعی بیاد یه چیزی رو حل کنه، و به نفع خودمون تموم اش کنیم، اینم ما می دونیم که نه تنها برای اونا، برای هیچ کدوم از ما نه، این طور نه مثلا برای سازمان شما جریان اجتماعی پشت سر شماست، نه مثل سازمان نه برای سازمان ما، نه برای هیچ سازمان، ولی یکی از وسایل این که این جریان اجتماعی پشت سر این جنبش انقلابی بیاد صف آرایبی بکنه همین جبهه ست، اینو شما پاسخ بدین، اگر ما اون جا طرح مسئله جبهه رو می کنیم اون جا همین طور سر هوا نمی آیم بگیم آقا جبهه، دلایلی می آیم، در حالی که شما در شعارهای وحدت در واقع بدون هیچ دلیل مشخصی دارید صرفا می گید که بله چون سازمان ها دلایل مثلا ماهیت طبقاتی شون و پشتوانه طبقاتی شون دقیقا مارک نخورده و مشخص نیست و خودشون اقرار و اعتراف نمی کنن، بنابراین جبهه نمی تونه به وجود بیاد، در حالی که اصلا مسئله این طوری طرح نمی شه، مسئله این طوری طرح میشه خود جبهه و خود وحدت یکی از وسایل همین چی؟ توده ای شدن، یکی از وسایل همین که همه نیروها پشت سر همین سازمان ها شون در بیان، ببینید اصلا قضیه فرق کرده، ها!

حمید اشرف: به چه شرطی این کار عملی یه؟

تقی شهرام: ببینین فهمیدی چی شد؟ نمی دونم نکته حرف منو متوجه شدی یا نه، ببینین، تو مسایل رو از یه جایی مطرح می کنی که اصلا مسایل به قول معروف هیچ وقت جواب نمی تونه داشته باشه، یعنی اون حرفایی که "شعار وحدت" زده خیلی جای حرف داره، برای این که حرف نیست اصلا آدم هر موقع می تونه بگه مثلا فرض کنید که مبارزه ما شکست خورد برای این که توده ها ازش حمایت نکردن، خب می گیم مرد حسابی تو چه کار کردی چه وسایلی چه شیوه هایی به کار بردی که توده ها از تو حمایت نکردن، یا چه شیوه هایی می تونستی به کار بری تا از تو حمایت کنن. حالا هم حرف ما هم همین، که مسئله جبهه نه به این دلیل که به اصطلاح نمی تونه به این دلیل رد بشه که چون مثلا فرض کن سازمان ها دقیقا نماینده طبقه شون نیستن پس نمی تونن تو این جبهه جمع بشن، بل که خود جبهه یکی از وسایل جمع شدن این

نیروهای پشت سر این سازمان هاست، و این نکته مهمیه که ما تو بیانیه طرح کردیم و شعار جبهه را از تو این تحلیل بیرون آوردیم، شما این طوری با قضیه برخورد بکنید.

حمید اشرف: بله سؤال من همینیه که چطور؟

تقی شهرام: کردیم اون جا نشون دادیم.

حمید اشرف: چطوری نشون دادید؟

تقی شهرام: خوب مشخصا اگر بخواهید بحث می کنیم، ما سنوالات چندی رو مطرح کردیم

حمید اشرف: (نامفهوم...)

تقی شهرام: بله ما سنوالات چندی را طرح کردیم در اون جا نشون دادیم که برای پاسخ به چنین سنوالاتی برای این که واقعا این مسایل و مشکلات حل بشه از جنبش، ما باید به چنین سمتی بریم، باید به چنین سمتی بین نیروهای انقلابی بریم. چرا ما باید به جنبش مثلا فرض کن در روستا داشته باشیم و هیچ ارتباطی با جنبش در شهر نباشه. من از شما این سؤال را می کنم، شما تو اون جلسه برگشته بودید و گفته بودید که مثلا دکتر اعظمی این ها هیچ کی نبودن یا مثلا هیچ نیرویی نبودن، هیچ مثلا انگار نه انگار، در حالی که این واقعا غیر منصفانه بود شما این رو توجه نمی کنید که مثلا دکتر اعظمی واقعا یک لرستانی را تکون داد. دکتر اعظمی این ها ما کار نداریم فرداً چی بودند ولی جریان شون خیلی تاثیر گذاشت و این واقعا منصفانه نیستش که شما یک چنین برخوردی رو بکنیم، شما (نامفهوم...)

حمید اشرف: شما در این زمینه و رابطه آیا یک تحلیل اجتماعی دارین؟

تقی شهرام: کدوم جریان؟

حمید اشرف: در رابطه با جریانات دهقانی ازش اسم می برین؟

تقی شهرام: نمونه ش رو ما توضیح دادیم، جریانات شون به مقدار جریانات ملی، به مقدار هم جریانات دهقانی که از طرف همین گروه های مثل دکتر اعظمی ایجاد می شه، دو تا جریان داریم،

حمید اشرف: جریان دهقانی که بهش آشنایی داشته باشین.

تقی شهرام: مثل جنبش دموکرات گرد ها هستن ...

حمید اشرف: همین جریان دکتر اعظمی را دارم می گم؟

تقی شهرام: بله.

حمید اشرف: شما تحلیل تون از این مسئله چی هستش؟

تقی شهرام: یعنی چی تحلیل مون از این جریان چی هست؟

حمید اشرف: تحلیل تون از جنبش دکتر اعظمی چیه ؟

تقی شهرام: بین من کاری به این ندارم که مثلا جنبش (نامفهوم...) من هیچ استراتژی نخوندم ، نمی دونم که چی مثلا

حمید اشرف: نه اصلا چطوری تشخیص می دین، چی می بینین اش؟

تقی شهرام: یعنی چی آخه؟

حمید اشرف: اصلا چیه این جریان؟

تقی شهرام: بنظر ما این تقریبا در همون حدیه که همان رفقای فدایی، رفقای سیاهکل عمل کردن، این تقریبا همونه، اینا اومدن به جریان جنبش را آغاز بکنن، ضربه خوردن، خیلی مشخصه، یعنی همون، یعنی اگه شما می گید که واقعا اگر جنبش مثلا سیاهکل رو و این خیلی، این برای ما خیلی قابل توجه بود یعنی رفقا روی این مسئله و امروز هم نوار را گوش کردیم تعجب کردیم شما مثلا اثرات جنبش رفقا رو در جنگل چنان به اون شکل ارزیابی می کنید، ولی مثلا جنبش دهقانی رو که واقعا رو دهقانان اون جا چه تاثیراتی گذاشت مثلا دیدید اقداماتی که رژیم که تمام را می گشت تمام منطقه رو بسته بود نمی دونم جیب ها شونو می گشت که یک تکه نون قرص بیش تر حق نداشتن حمل و نقل بکنن و واقعا تاثیرات اجتماعی گذاشت حالا شده از خوب هر طریق، حالا از نظر بعضی ها می گن که دکترا اعظمی زنده ست و تو تهران دیدنش و هم چو حرف هایی هم می زنی، بعضی ها میگن رفته عراق و از این بحث ها، به اوناش کار نداریم ولی به هر حال به حرکتی بود به حرکت توده ای بود، به حرکت مبارزاتی بود حالا خطش چی بود ما اصلا چیزی منتشر نشده که اطلاع داشته باشیم.

حمید اشرف: یعنی چیزی به صورت جنبش دهقانی پس شما قبول دارین هست در ایران، در شرایط کنونی، یعنی وقتی نیروها را طبقه بندی می کنید نیروهای جبهه را به اصطلاح، جریانات دهقانی هم هست.

تقی شهرام: منظور از جریانات دهقانی برای ما در اشکال ملی خیلی مشخصا موجوده، مثل مثلا همین جریانات دموکرات های گُرد یا جریانات بلوچ ها یا همین اهوازی ها.

حمید اشرف: جریانات بلوچ ها را شما تحلیل دارین؟

تقی شهرام: تحلیل ما الان هستش، به دونه جزوه دادن، شاید مثلا منتشرش کنیم ما.

حمید اشرف: ولی ما با این نیروها چند ساله در ارتباط هستیم

تقی شهرام: خیلی خوب

حمید اشرف: (نامفهوم...) و تحلیل ما از این ها این هستش که این ها در حقیقت یک جریان

تقی شهرام: هیچی نیستند.

حمید اشرف: ادامه داری در محیط های خودشون نیستند

تقی شهرام: آخه رفیق اگه جریان، من اینو سئوال می کنم جریان، اگه مثلا تاریخی می گی ادامه دار، به بحثیه، خیلی خوب، نیست، نباشن، الان چکار می کنن الان که نیرو هستند

حمید اشرف: الان هیچ کاری نمی کنن

تقی شهرام: هیچ، هیچ نیرویی نیستند اصلا!

حمید اشرف: هیچ کاری نمی کنن و هیچ نیرویی هم نیستن.

تقی شهرام: این حرف شما مخالفه با (نامفهوم...)

حمید اشرف: مخالفه با فاکت هایه؟

تقی شهرام: مخالف با خیلی از فاکت هاست.

حمید اشرف: یکی از این فاکت ها را می تونید عرضه کنید؟

تقی شهرام: خوب، تعجب می کنم شما از یک طرف

حمید اشرف: نه

تقی شهرام: می تونید شما، خیلی جالبه از به طرف

حمید اشرف: نه (نامفهوم...)

تقی شهرام: می دونید از به طرف شما مثلا فرض کنید تو خارج با این جبهه ای ها ، مثلا اکبر، حسن ماسالی نمیدونم اکبر موسکویچی، اینا مثلا آن چنان تداخل کردید و آن چنان وحدت پیدا کردید که امروزه اگر از شما پرسن تحت چه شرایطی چه ضوابطی شما با این ها وحدت دارین، معلوم نیست که حتما می گید که مثلا فرض کن حمایت می کنن از جنبش، حالا اینا چه نیرویی اند و چه چیزین پاسخی ندارید ولی وقتی که مثلا واقعا مثلا تیپ هایی که الان تو گُردستان هستن، حالا شما حساب کن چقدر مثلا از همین رهبران گُرد توی زندان هستن، ده سال پانزده سال همین هان که تو زندان هر کدوم شون رو که آزاد کنن قول به شما می دم که به جریان راه می اندازن، همین تیپ هائی مثلا عزیز یوسفی، نمی دونم شنیدین اسم شو یا نه، این مثلا فرض کن اینا یا همین جریاناتی که الان مثلا فرض کن به صورت همین ارگان مثلا گُردستان و این جریان خط مشی که اخیرا نمی دونم در کنگره سوم نمی دونم دیدین یا ندیدین

حمید اشرف: حزب دموکرات؟

تقی شهرام: بله مثلا یک هم چنین جریانی، اینا به هر حال نیروهایی اند و حاضرند به کارایی رو بکنن، و اگر در شرایط مساعدی قرار بگیرن می تونند علیه این رژیم مبارزه بکنن و دارن و زمینه هاش هم هست، نمونه ش که ما خبر، مثلا فرض کن حدود دو ماه سه ماه قبل ما خبر داشتیم به ریو را این ها خلع سلاح کردن و بعد به ریو را خلع سلاح کردن هیچی، بین همین اسنادی که همین سرگرده آورده از مراغه ما دیدیم و همین سرگرده خبرش رو می داد که جریانات خرابکاری و جریانات به اصطلاح جنبش های پراکنده دقیقا تو همین منطقه مهاباد و در واقع منطقه گُردستان، گُردستان که می خوره با آذربایجان به شدت جریان داره و کمیته ضدخرابکاری دقیقا اون جا به شکل کاملا چی مبارزه با جریانات خرابکاری دهقانی داره، اینا فاکت هایی که ما می تونیم در اختیارتون بذاریم، حتی نامه هاش هم هست که مثلا میگن این کارو می خواهن بکنن، این طوری میخوان (نامفهوم...) به دونه ریو مصادره کردن همین چند وقت پیش.

حمید اشرف : ریو چی؟

تقی شهرام: به ریو ارتشی، ریختن زدن و کشتن و اسلحه هاش هم ور داشتند

حمید اشرف: در چه تاریخی این کار شده؟

تقی شهرام: بین مثلا فرض کنید تابستون به بعد.

حمید اشرف: این جزو این افسانه هایی که شایع و متداوله نیست؟

تقی شهرام: والا شاید، نمی دونم، اگه شما می خواهید افسانه تلقی بکنید، ولی خبرهایی که جزو همان خبرهایی که معمولا از به طرق نسبتا موثقی به دست ما می رسه، علاوه بر این من می گم فاکت هایی رسمی تر هست من سعی می کنم پیدا کنم و همین سرگرده صحبت می کنیم و در اختیارتون می گذاریم.

حمید اشرف: و این کارهای جبهه دموکراتیک گُردستان می کنه و حزب دموکرات

تقی شهرام: نه نه، آها، این مسئله است که مسلما حزب دموکرات الان اگر دارای به چنین قدرتی بودش که بتونه مثلا فرض کن سازمان بده، حمله به فلان چیز رو در یک روستای دور افتاده، الان اون جا یک جنگ تمام عیار راه انداخته بود، ولی مسئله این جاست که ما اجبارا

حمید اشرف: به نظر من این کاره نیست.

تقی شهرام: نه آخه این طوری هام نیستش، یعنی شما می خواهید بگید اینا به مشت عناصر مثلا فرض کن فرصت طلب مثلا اروپا نشین، می خواهید اینو بگید، یعنی حرف شما آخرش این می شه دیگه.

حمید اشرف: اینا به عده کارمندان دولتی هستند در سیستم دولتی عراق، اساسا حزب دموکراتیک کُردستان

تقی شهرام: سیستم دولتی عراق؟

حمید اشرف: بله، رییس اداره، معلم آموزش و پرورش،

تقی شهرام: خوب اگه این طوری هستند که خوب ما لاقلا اطلاع نداریم، چیزهایی که ما می دونیم غیر از این هاست.

حمید اشرف: (نامفهوم...) به نظر من چیزی که در همون دفعه پیش هم خواستم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: این هستش که قبل از این که ما شعار جبهه رو می دادیم خوب بودش که این رو حداقل در یک سطحی قبل از طرح عمومی اش مطرح می کردیم، چون این شعاری که شما دادین الان به مقدار کار رو مشکل کرده، چرا؟ چون از طرفی شما مجبورید که پای این شعار بایستید

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و چون مطرح اش کردین روش تبلیغات کردین، و الان دشواره واقعاً

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: (نامفهوم...) که بخواهید روی این شعار خط بکشید

تقی شهرام: البته بتون بگم مسئله این جور نیستش که برای ما به مسئله ای فرض کنید فکر کنید مثلاً حیثیتی باشه، اگه آدم بدونه اشتباه کرده از خودش انتقاد می کنه مسئله ای نیست، ولی ما به این نتیجه رسیدیم و در واقع حالا خواهیم دیدش که آیا واقعا طرح شعار اشتباه بود یا نه، یعنی ما ناظر به چه جریاناتی این شعار را طرح کردیم و حالا آیا زمینه هاش اصلاً فراهم نیست، یعنی آیا این شعار با خلاء روبرو شده، حالا می بینیم این رو در عمل می بینیم، یعنی در تئوری هم معلومه، یعنی شما می گید ما اینو طرح می کردیم و بعدش مثلاً فرض کن می دیدیم که

حمید اشرف: عقیده ما همینه، ما معتقد بودیم که از آغازش هم که البته این اعلامیه بیانیه اعلام مواضع و اینا اگر قبل از این که منتشر می شد، چون ما در داخل با همین اعلام مواضع مخالفتی به هیچ وجه نداشتیم، و حتی کاملاً مایل بودیم که این اعلام مواضع حتما صورت بگیره، چون نظر مون این بود که این قاطع، قطعیتی میده به مسئله و در خط سیاسی کارمون می گنجه ولی این چگونه این مواضع اعلام بشه، و در صورتی که به شکل یعنی قبلاً این مورد مشورت قرار می گرفت و حداقل نقطه نظرهایی که ما داشتیم در این رابطه و می تونست مورد استفاده شما قرار بگیره و حداقل نقطه نظرات بخشی از جنبش را منعکس بکنه جنبشی که عملاً وجود داره و (نامفهوم...)

تقی شهرام: بله، درسته.

حمید اشرف: قدرتمند هست.

تقی شهرام: بله قبول داریم.

حمید اشرف: این نتایج خیلی مثبت تری می تونست داشته باشه.

تقی شهرام: خب مسئله این جاست که

حمید اشرف: و این نتیجه عملی ش این می شد که ما می اومدیم حداقل به تحلیل مشترکی از نیروها می کردیم گذشته از این که در این رابطه ما به هم به اصطلاح کاراکتر جدید مجاهدین هم برای ما روشن تر می شد، این اثر را داشت به یک

فرمول های واقع بینانه تری برسیم، فعلا الان مسئله این هستش که شما به این شکل با مسئله در حقیقت با برخوردید، گفتیم ما به تحلیل هایی داشتیم طبعاً که البته تحلیل ها کامل نبوده

تقی شهرام: پس تحلیل هایی از کی؟

حمید اشرف: از نیروهای اجتماعی که

تقی شهرام: خوب.

حمید اشرف: در نتیجه، یعنی تحلیل ها مشخص نبوده

تقی شهرام: نه مشخصه

حمید اشرف: کلی بوده (نامفهوم...) ولی خوب می گم که در همون روابطی که سؤال انگیز هست

تقی شهرام: خوب ما تا اون جا که برامون مشخصه حتماً به مقدارش نامشخصه دیگه، یعنی مشخص بودن نظر ما معنانش این نیستش که دقیقاً منطبق بر واقعیت موجود هم هست، نه اون قدر که ما تونستیم برداشت کنیم از مسئله

حمید اشرف: این در رابطه با کسانی که دست اندر کار هستند این می تونست خیلی مشخص تر بشه

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: و (نامفهوم...)

تقی شهرام: الان هم دیر نشده.

حمید اشرف: فرمولی انتخاب بشه برای مسئله که این فرمول واقع بینانه باشه

تقی شهرام: خیلی خوب یعنی شما معتقدین که

حمید اشرف: یعنی طوری باشه که ما بتونیم در حقیقت و وقتی هم که طرح اش می کنیم

تقی شهرام: از پس اش بر بیایم

حمید اشرف: از پس اش بر بیایم

تقی شهرام: بسیار خوب، من کاملاً با شما موافقم

حمید اشرف: پاش هم بایستیم و یا حداقل بتونیم تا مدتی دفاع کنیم و یه چیزی باشه که حساب شده باشه خلاصه

تقی شهرام: بسیار خوب

حمید اشرف: و حالا این مسئله

تقی شهرام: حالا بین رفیق، آهان، این مسئله این طوره که بین الان بذار من بازش کنم ما طرح شعار جبهه دادیم، شما طرح شعار وحدت مارکسیست - لنینیست ها را دادید، درسته؟ این تناقض اش این جاست دیگه، یعنی در واقع حرفی که تو میخوای بزنی اینه که ما به یه وحدتی برسیم که آقا بگید شما دلایل تون چیه ما دلایل مون چیه که به هر حال به تفاهمی برسیم، چون در واقع ما هم قبول داریم دو تا نیروی اصلی جنبش به هر حال این دو تا سازمانه، اگه اینا بتونن به یه توافقی برسن شاید خیلی از مسایل هم حل بشه اما قضیه این جاست که آیا واقعا استدلالات ما در مورد جبهه واقعا رسانا نیست؟ کفایت نمی کنه؟ اگر مثال می زنیم ما، ما رو این حسابیم، خیلی خوب، وحدت مارکسیست - لنینیست ها، ولی اون وقت بین خیلی مسایل این جا هست. ما اگه صرفاً وحدت مارکسیست - لنینیست ها را بگیریم آیا واقعا خودمون نقد نکردیم خط

مون رو؟ بین احمدزاده تو خود آخر استراتژی و تاکتیک اش چی میگه، میگه که بگذار مبارزه مسلحانه آغاز بشه، چی میگه هژمونی پرولتاریا را بذار برای مرحله ای که چیه مبارزه مسلحانه رشد کرده باشه و بعد اون چه که اون جا مطرح می کنه اساسا خیلی جالبه همین مسئله تز جبهه را اون جلو جلو پیشنهاد می کنه میگه در یه مرحله اینه که این مسیره که میرسونه، اون موقع اگر تو بیایی مثلا مسئله وحدت مارکسیست - لنینیست ها را مطرح بکنی اجبارا مبارزه مثلا فرض کنیم که خرده بورژوازی، دموکرات ها، فلان فلان این مرحله اصلا باشون نمی تونی برخورد کنی، و در این مرحله است و در این مرحله اجبارا ما مثلا و باید بیفتیم به موضع چی بیفتیم به موضع مثلا دقیقا در همون خطی قرار می گیریم که باید مثلا بریم دنبال مثلا تشکیل حزب، یعنی اون وقت اون موقعی که وحدت مارکسیست - لنینیست ها اجبارا قدم بعدی اش حربه و نه باز هم جنبش مسلحانه و بعد وحدت نیروهایی که متعلق به خلق هستند

حمید اشرف: نه ما حزب داریم در این جا حزب مسلح

تقی شهرام: چرا می شه، آخه این حرف تو درست نیست، حالا خواهیم دیدش که حزب مسلح معنا نمی ده، بین حزب مسلح یعنی چی؟ یعنی تو در واقع میانی یه سازمان را گنده اش می کنی، می کنی حزب، این میشه حزب؟، بین

حمید اشرف: نه، اون حزبی که در ایران به وجود میاد در آینده، چون وحدت مارکسیست - لنینیست ها

تقی شهرام: بلافاصله تو باید مسئله حزب را اون وقت مطرح کنی، جز اینه؟

حمید اشرف: بلافاصله؟

تقی شهرام: آخه بین چه، آخه به چیز

حمید اشرف: هیچ ضرورتی نداره بلافاصله مطرح بشه.

تقی شهرام: آخه یه چیزه، بین ما حرفی نداریم، ما از خدا، ما می گیم اصلا مسئله وحدت مارکسیست - لنینیست ها را باید تو همین جبهه در واقع حل کرد، و باید تو همین جبهه حلش کرد، اما یه مسئله هست مبارزه اگر صرفا تو به اون شعار بسنده کنی و اون رو مطرح بکنی اولاً که اصلاً با خط خودت تناقض داره، حالا از این بگذریم.

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com